

The Contradictory Epistemological Challenge and the Origin of the Formation of Mahdavi Beliefs Among Followers of Claimants of Mahdaviat¹



Mehrnaz Bashizadeh Moghaddam¹

Ahmad Karimi²

1. Assistant Professor and Faculty Member of the Department of Quranic Sciences and Knowledge, Quran and Hadith University, Qom, Iran.

bmoghaddam14@gmail.com; Orcid: 0000-0003-1060-7378

2. Associate Professor and Faculty Member of the Department of Religious Philosophy and Contemporary Theological Issues, Quran and Hadith University, Qom, Iran.

ahmad.karimi@gmail.com; Orcid: 0000-0002-5525-2024

Abstract

The signs and indicators of the reappearance of the Imam of the Future (Imam Mahdi), as well as the characteristics of the promised Imam mentioned in Islamic narrations, are primarily considered a way through which different individuals can assess the claims of the self-proclaimed Mahdi. However, claimants, to varying degrees, have attempted to convince their followers of their claims by relying on these very signs and aligning them with their own identities. Considering the fact that the followers of these claimants face significant and recurrent epistemological contradictions, the credibility of the beliefs of these groups is seriously questioned. On the other hand, the insistence on the beliefs of these followers in such conditions indicates that the origin of these beliefs is not supported by sufficient reasons and evidence, as despite the weakening of the arguments and the loss of the foundational evidence, no change in

1. Bashizadeh Moqaddam, M., & Karimi, A. (2025). The Epistemological Contradictory Challenge and the Origin of the Formation of Mahdavi Beliefs Among Followers of Claimants of Mahdaviat. *Mahdavi Society*, 5(10), 117-150. <https://doi.org/10.22081/JM.2025.70326.1102>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 21/11/2024 • **Revised:** 08/03/2025 • **Accepted:** 11/03/2025 • **Published online:** 08/04/2025

their epistemological stance occurs. This research, using a descriptive-analytical method and a library-based study, seeks to find the origins of the formation of beliefs among the followers of the claimants of Mahdaviat. The results show that the epistemological vices and the lack of cognitive virtues, such as reasoning, correct argumentation, deep thinking, epistemological humility, and openness to new evidence, have led these believers to accept the claims of the Mahdavi experiencers. Consequently, from an epistemological perspective, followers of the claimants of Mahdaviat, by insisting on their beliefs despite epistemological contradictions, must be confident in possessing adequate epistemological virtues. In the absence of one or more of these epistemological virtues, or in the presence of epistemological vices, their belief becomes unjustifiable and irrational.

Keywords

Epistemological contradiction, Mahdavi experiences, Claimants of Mahdaviat, Epistemological vices, Followers of Mahdavi claimants.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چالش ناقض معرفتی و خاستگاه شکل‌گیری باورهای مهدوی در میان پیروان مدعیان مهدویت^۱

مهرناز باشی‌زاده مقدم^۱ احمد کریمی^۲

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم و معارف قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

bmoghaddam14@gmail.com; Orcid: 0000-0003-1060-7378

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی فلسفه دین و مسائل جدید کلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

ahmad.karimi@gmail.com; Orcid: 0000-0002-5525-2024

چکیده

نشانه‌ها و علائم ظهور و نیز ویژگی‌های امام موعود که در روایات اسلامی آمده، به‌طور عمده راهی تلقی شده که به موجب آن، افراد مختلف بتوانند ادعای مدعیان را محک زمند. با این حال، مدعیان کم و بیش با اتکا به همین نشانه‌ها و تطبیق‌شان بر خود تلاش کرده‌اند تا ادعاهای خویش را برای پیروانشان باورپذیر کنند. عطف نظر به این مسئله که پیروان متمم‌هیدیان، با ناقض‌های معرفتی قابل توجه و پرتواتری روبه‌رو هستند، حجیت باورهای این گروه مورد خدشه جدی است. اما از سویی اصرار بر باورهای این پیروان در چنین شرایطی نشان می‌دهد که منشاء باور این پیروان، همراه با دلایل و قرائن کافی نیست؛ زیرا با وجود تضعیف ادله و از دست رفتن پایگاه شواهد، تغییری در موضع معرفتی حاصل نمی‌شود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای، در پی یافتن خاستگاه شکل‌گیری باورهای پیروان مدعیان مهدویت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ردیلت‌های معرفتی و فقدان فضایل شناختی همچون خردورزی و استدلال صحیح، ژرف‌اندیشی، تواضع معرفتی، گشودگی نسبت به قرائن جدید برای باورمندان به این گونه باورهای غیرپایه و متکی بر گواهی، موجب گردیده تا آنان مدعیات

* **استناد به این مقاله:** باشی‌زاده‌مقدم، مهرناز؛ کریمی، احمد. (۱۴۰۳). چالش ناقض معرفتی و خاستگاه شکل‌گیری باورهای مهدوی در میان پیروان مدعیان مهدویت. جامعه مهدوی، ۴ (۱۰)، صص ۱۱۷-۱۵۰.

<https://doi.org/10.22081/JM.2025.70326.1102>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

تجربه‌گران مهدوی را بپذیرند. در نتیجه از نقطه‌نظر معرفت‌شناختی، پیروان مدعیان مهدویت در صورت اصرار بر باورهای خود با وجود ناقض معرفتی، باید بتوانند از داشتن فضایل معرفتی کافی مطمئن شوند و در صورت غیاب یک یا چندین فضیلت معرفتی، و یا برخورداری از رداییل معرفتی، باور آنان غیرموجه و نامعقول است.

کلیدواژه‌ها

ناقض معرفتی، تجربه‌های مهدوی، مدعیان مهدویت، ردیلت‌های معرفتی، پیروان متمهدیان.



مقدمه

دیدار شخصیت‌های دینی یا مذهبی که سال‌ها از شهادت یا وفات آنها گذشته، یا شخصیت‌هایی که مطابق نصوص دینی به آسمان عروج کرده و یا در پس پرده غیبت هستند، از جمله تجارب دینی است که از نظر معرفت‌شناسی و در گامی فراتر، هستی‌شناسی، نیازمند راستی‌آزمایی مدعیان و مدعیات آنها براساس معیارهای اخلاقی، معرفتی و سازواری با نصوص دینی است. در نگره شیعه امامیه، امام دوازدهم، امام مهدی علیه السلام حجت غایب خدا در زمین است. او زنده است و همچون دیگر انسان‌ها دارای شئون حیات دنیوی است و روزی به امر الهی از پس پرده غیبت ظهور خواهد کرد. وعده ظهور منجی آخرالزمانی شیعیان و رویدادهایی که پیش و پس از ظهور او رخ خواهد داد و نیز صفات ظاهری امام غایب که در برخی روایات آمده است، برخی را بر آن داشته تا با اغراض مختلف ادعایی دروغین داشته و خود را بعنوان مهدی منتظر معرفی نمایند. بررسی دعاوی برخی مدعیان دروغین مهدویت نشانگر آن است که گروهی از مدعیان کاذب، به‌طور کامل آگاهانه و در پی مطامع شخصی، فرقه‌ای و یا سیاسی به این امر مبادرت ورزیده‌اند. از سوی دیگر برخی پیروان این متمهدیان، ادعای آنها را مطابق با نشانه‌های بیان شده در نصوص دینی یافته و آن را تصدیق کرده‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد باور پیروان مدعیان مهدویت از نظر معرفتی توجیه‌پذیر نبوده و بن‌مایه باور ایشان از استلزامات فضایل معرفت‌شناختی تهی است.

تاکنون در مورد دعاوی کذب مهدویت، مدعیان دروغین و پیروان آنها پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقاله «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» (عرفان، ۱۳۸۸). نگارنده در این مقاله در سه دسته‌بندی علل زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده و شتاب‌زا، ظهور مدعیان کاذب مهدویت را مورد بررسی قرار داده است. در مقاله دیگری با عنوان «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت» (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳) نویسندگان در ۶ دسته به گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت پرداخته‌اند که شامل: ۱. تنوعات مدعیان دروغین مهدویت براساس

نوع ادعاء؛ ۲. انواع مدعیان دروغین براساس ماهیت ادعای طرح شده؛ ۳. گوناگونی مدعیان دروغین براساس مذهب مدعی؛ ۴. انواع مدعیان دروغین از نظر سرانجام ادعاء؛ ۵. تنوعات مدعیان دروغین از نظر دامنه جغرافیایی یا جمعیتی ادعای آنان؛ ۶. گوناگونی مدعیان دروغین از نظر شخص ادعاکننده است. در مقاله «سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم علیهم‌السلام با مدعیان دروغین مهدویت» (عرفان، ۱۳۹۴)، نویسنده از دو سنخ مواجهه معصومان با مدعیان کاذب و مدیریت بحران سخن گفته است که شامل مدیریت دفعی در مرحله پیشینی و مدیریت رفعی در مرحله پسینی. در مقاله مذکور موارد اشاره شده ذیل این دو سنخ مدیریت بحران بیشتر ناظر به تغییرات اجتماعی و آگاهی بخشی است؛ همچنین در مقاله «شاخصه‌شناسی مواجهه ائمه با مدعیان دروغین مهدویت» (عرفان، ۱۳۹۴)، ۵ شاخصه بعنوان رویکردهای مقابله معصومین علیهم‌السلام با مدعیان دروغین بیان شده است که شامل مواردی چون، غلبه پیشگیری به جای درمان، رویکرد فرصت‌سازی به تهدید مدعیان دروغین، تمیز میان شبهه‌گر و شبهه‌زده، قاطعیت در تصمیم‌گیری و سامان‌دهی رفتار اجتماعی شیعیان در قبال ادعاهای دروغین است. در مقاله «آسیب‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت از منظر امامان معصوم» (جدایی حاجی‌خواجه‌لو، ۱۳۹۸)، نویسنده بیشتر به شیوه‌های مواجهه امامان معصوم علیهم‌السلام با مدعیان کاذب پرداخته و باورهای پیروان این مدعیان مورد توجه قرار نگرفته است؛ همچنین در مقاله «چرایی گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت و راهکارهای رویارویی با آن» (عبدالاحدی مقدم، میرتبار، ۱۳۹۹) نویسندگان مقاله با روش تحلیل مضمون، گفتار ۱۱ تن از اساتید مهدویت را در رابطه با گونه‌شناسی، تنوع مدعیان کذب مهدویت در عصر امامان علیهم‌السلام و در عصر معاصر، شاخص‌های مدعیان دروغین، بسترها و زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان دروغین و راهکارهای رویارویی با مدعیان کاذب در جداول مجزا با تعیین مقوله عام و محوری آورده‌اند و از جمله ویژگی‌های پیروان این مدعیان به مقوله جهل اشاره کرده‌اند و دلایل معرفت‌شناختی باورهای پیروان بررسی نشده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت» (جوکار، ۱۴۰۰)، نویسنده مهمترین معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت را مواردی چون، تظاهر

به زهد دینی و نقض آن، معنویت‌گرایی سکولار، تحریف و جعل و تقطیع در منابع و متون دینی برشمرده است؛ همچنین در مقاله «بررسی زمینه‌های معرفتی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر» (کمیاب، ۱۴۰۱)، نگارنده با بررسی فایل‌های صوتی، تصویری و پرونده‌های قضایی زمینه‌های معرفتی گرایش به مدعیان کاذب را استناد به منابع ضعیف، سطحی‌نگری، اخباری‌گری افراطی، تطبیق‌گرایی و خرافه‌گرایی عنوان کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که تاکنون مطالعات انجام شده درباره دعای مهدویت و پذیرش این دعای کاذب سه رویکرد را اتخاذ کرده‌اند که شامل: ۱. مطالعات گونه‌شناسی دعای کاذب، ۲. مطالعات علت‌کاوانه پذیرش دعای کاذب، ۳. مطالعات راهکارمحور در مواجهه با دعای کاذب است. با این حال پژوهش‌های موجود بیشتر رویکردی توصیفی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی داشته، هیچ‌یک رویکرد معرفت‌شناختی جامعی در این زمینه نداشته، مبانی معرفتی باورهای پیروان مدعیان کاذب را تحلیل نکرده، فرایند شکل‌گیری باورها را بصورت نظام‌مند مورد بررسی قرار نداده و رویکردی میان‌رشته‌ای ناظر به دستاوردهای روان‌شناسی شناختی و یافته‌های جامعه‌شناسی معرفتی ندارند. ازاین‌رو این پژوهش با رویکردی نو و با تمرکز بر مؤلفه‌های معرفت‌شناختی، به بررسی چالش ناقض معرفتی در شکل‌گیری باورهای مهدوی می‌پردازد. در این راستا ابتدا تلاش شده با تحلیل فلسفی - کلامی فرایند شکل‌گیری باورها و نقش فضایل و رذائل معرفتی در پیدایش آنها مورد توجه قرار گیرد و سپس چارچوبی نظری برای توجیه‌پذیری باورها از جمله باورهای مهدوی ناظر به متون دینی و تجربی عرضه شود.

۱. توجیه‌پذیری باور در نگره معرفت‌شناسی

مسئله توجیه باور یکی از محوری‌ترین مباحث معرفت‌شناسی معاصر است. در سنت معرفت‌شناسی، معرفت را «باور صادق موجه» تعریف می‌کنند (پویمن، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹). با این حال در بررسی چگونگی شکل‌گیری باور، سه سطح تحلیلی متمایز قابل شناسایی است.

الف) سطح علی: در این سطح زمینه‌های روان‌شناختی شکل‌گیری باور، بسترهای اجتماعی - فرهنگی و تأثیرات محیطی و تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب) سطح معرفتی: در این سطح شواهد و قرائن عقلانی، استدلال‌های منطقی و مبانی معرفتی در شکل‌گیری باور مد نظر است.

ج) سطح کارکردی: در این سطح پیامدهای عملی باور، نتایج رفتاری و کارکردهای اجتماعی باور در شکل‌گیری باورها نقش دارند (Goldman, 2012, pp.120-12).

معرفت‌شناسان معتقدند که اگرچه باور صادق از مؤلفه‌های اصلی و پیش‌نیاز معرفت است، اما صدق و توجیه برای معرفت کافی نیست (پوین، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲)؛ به سخن دیگر شخص باید باورش را به روشی کسب نماید که به باور صادق منجر شود و نحوه کسب باور او باید به گونه‌ای باشد که تضمین کند، صدق باور او اتفاقی نیست و او بتواند توجیهی برای باور خود اقامه نماید. از این رو مبانی معرفتی برای باور، باید احتمال صدق باور را افزایش دهد و از این رو می‌توان گفت توجیهی برای باور، معرفتی است که نخست احتمال صدق گزاره مذکور را فزونی بخشد و دوم دسترسی‌پذیری شناختی داشته باشد (سادات منصوری، ۱۳۹۹، ص ۴۰-۴۱). افزایش احتمال صدق باور خود با مؤلفه‌های ارتباط منطقی باور با واقعیت، قابلیت آزمون‌پذیری و سازگاری درونی مرتبط است. از سویی منظور از دسترسی‌پذیری شناختی وجود ویژگی‌های شفافیت معرفتی، قابلیت بازسازی استدلالی و امکان ارزیابی نقادانه است (Steup, 2018, pp.145-147).

۱-۱. رویکرد درون‌گرایی و برون‌گرایی در توجیه‌پذیری باور

در معرفت‌شناسی معاصر، دو رویکرد عمده در باب توجیه باور مطرح است: درون‌گرایی^۱ و برون‌گرایی^۲. درون‌گرایی، که عمدتاً توسط معرفت‌شناسان کلاسیک و برخی متأخرین مورد دفاع قرار گرفته، بر دو اصل اساسی استوار است: دسترسی‌پذیری^۳

1. Internalism
 2. Externalism
 3. Accessibility

و مسئولیت معرفتی^۱ (BonJour, 1985, p.8). اصل دسترسی‌پذیری بیان می‌کند که فاعل شناسا باید به عوامل توجیه‌کننده باورهایش دسترسی آگاهانه داشته باشد. این دسترسی می‌تواند از طریق تأمل درونی، شهود، یا بازانديشی حاصل شود. چیزهولم معتقد است فاعل شناسانه تنها می‌تواند محتوای باورهایش را درک کند، بلکه قادر است دلایل پذیرش آن باورها را نیز تشخیص دهد (Chisholm, 1989, pp.75-76). مسئولیت معرفتی، به‌عنوان دومین رکن درون‌گرایی، بر تعهد فاعل شناسا در قبال باورهایش تأکید دارد. این مسئولیت شامل تلاش فعالانه برای افزایش باورهای صادق و کاهش باورهای کاذب است.

اما رویکرد درون‌گرایی با چالش‌های جدی مواجه است. گلدمن (۱۹۷۹) اشاره می‌کند که دسترسی‌پذیری کامل به مبانی توجیهی باورها همواره ممکن نیست و مسئله خودفریبی می‌تواند اعتبار شهودهای درونی را مخدوش سازد. در مقابل، برون‌گرایی که به‌طور عمده با نظریه اعتماد‌گرایی^۲ گلدمن شناخته می‌شود، تأکید را از دسترسی درونی به فرایندهای مولد باور منتقل می‌کند. طبق این دیدگاه، آنچه اهمیت دارد اعتماد‌پذیری فرایندهای شکل‌دهنده باور است، نه توانایی فاعل در توضیح این فرایندها (Goldman, 1979, p.13). پلنتینگا (۱۹۹۳) با طرح کارکردگرایی مناسب^۳ این دیدگاه را تکمیل می‌کند و معتقد است توجیه معرفتی مستلزم کارکرد صحیح قوای شناختی در محیط مناسب است. برون‌گرایی مزایای قابل توجهی دارد: راه‌حلی برای مسئله شکاکیت عرضه می‌کند، مشکل استقراء و اذهان‌دیگر را حل می‌کند و توجیهی برای معرفت حسی و حافظه‌ای فراهم می‌آورد (Sosa, 2007). با این حال، همان‌طور که آلستون (۱۹۸۹) اشاره می‌کند، رویکرد تلفیقی که عناصر درون‌گرایی و برون‌گرایی را ترکیب می‌کند، می‌تواند تبیین جامع‌تری از ماهیت معرفت و توجیه ارائه دهد. این رویکرد هم به اهمیت

1. Epistemic Responsibility

2. Reliabilism

3. Proper Functionalism

فرایندهای قابل اعتماد توجه دارد و هم نقش آگاهی و مسئولیت‌پذیری معرفتی را به رسمیت می‌شناسد.

۲. معرفت‌شناسی فضیلت‌محور

معرفت‌شناسی فضیلت‌محور یکی از رویکردهای نوین در حوزه معرفت‌شناسی است که بر نقش محوری فضایل معرفتی در فرایند کسب معرفت تأکید دارد. در این بخش نخست به تبیین مفاهیم کلیدی معرفت‌شناسی فضیلت‌محور می‌پردازیم و سپس در بخش بعدی به تحلیل و نسبت آن با مسئله باورهای مهدوی خواهیم پرداخت.

«فضیلت معرفتی» از دو مفهوم کلیدی «فضیلت» و «معرفت» تشکیل شده است. در سنت فلسفه اسلامی، متفکرانی چون فیض کاشانی «فضیلت» را عامل سعادت اخروی (سیدقریشی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸)، و فارابی آن را عامل ارتقای کمال ذاتی اشیاء دانسته‌اند. ابن‌سینا نیز فضیلت را ملکات نفسانی که منجر به افعال نیک می‌شود، می‌داند (شجاعی، ۱۳۹۶، صص ۴۹-۵۰). در دوران معاصر، زاگزیسکی فضیلت را مزیتی اکتسابی با دو ویژگی انگیزش و کامیابی تعریف می‌کند (جوادی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۲۷). در مورد «معرفت»، آن را غالباً در معنای مطلق علم، آگاهی و اطلاع دانسته‌اند و از آن به‌طور کلی در معنای «شناخت» نیز یاد می‌شود. اغلب فیلسوفان مسلمان متفق‌القولند که همه تعاریف ارائه شده از کلمه علم یا معرفت، تعریف شرح الاسمی است (اکبری‌ان، ۱۳۹۱، ص ۱۲). در نظر زگزیسکی که خود از معرفت‌شناسان فضیلت‌محور است، «معرفت» باوری است که باورنده را به صدق می‌رساند، زیرا وی به طرقتی عمل می‌کند که به لحاظ معرفت‌شناختی وظیفه‌شناسانه است (عسکرزاده، پیکانی، ۱۳۹۵، ص ۸). با این توصیف فضایل معرفتی، فضایل عقلانی یا فضایل فکری، فرایندهای قابل اعتمادی برای تولید باورهای صادق یا فهم باورها هستند (Zagzabski, 1996, p333). رویکردهای معرفت‌شناسی فضیلت‌محور به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

الف) وثاقت‌گرایی: که فضایل عقلانی را قوای قابل اعتماد می‌داند.

ب) مسئولیت‌گرایی: که بر ویژگی‌های رفتاری و منشی اکتسابی تأکید دارد (میراحمدی، دهباشی، ۱۳۹۴).

مطابق هر دو رویکرد، معرفت دو سطح دارد سطح پایه (معرفت حیوانی) و سطح برتر (معرفت تأملی). با این وصف، در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا، تلقی یکسانی از فضیلت وجود ندارد. سوسا آنها را از سنخ قوا و استعدادهای معرفتی می‌داند، اما زاگزیسکی آنها را از سنخ ویژگی‌های رفتاری و خصائص شخصیتی و همچنین جزء فضایل اخلاقی و زیرشاخه آن می‌داند و هر چند نگاه ارسطویی به فضایل عقلانی دارد، تفکیک بین فضایل عقلانی و اخلاقی را بر نمی‌تابد (جوادی‌پور، جوادی، ۱۳۹۳). با وجود این، اگرچه معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا بیان می‌دارد که فضایل عقلانی یا معرفتی، روش‌ها یا عادات خوبی برای شکل‌گیری و تداوم باورها صادق و اجتناب از باورهای کاذب هستند (پویمن، ۱۳۹۶، ص ۴۰۷)، اما این مهم را نباید از نظر دور داشت که چه بسا برخی فضایل اخلاقی از جمله فروتنی اخلاقی در مقابل فروتنی فکری^۱ رهن معرفت یا همان باور صادق موجه باشد و بدین لحاظ در معرفت‌شناسی یک رذیله اخلاقی محسوب شود (Beaher, 2017, p 221- 222). کوتاه سخن آنکه فضایل معرفتی شامل مواردی چون، روحیه پرسشگری، شجاعت عقلی، جامع‌نگری، توجه به قراین و مشاهده هوشیارانه است (پویمن، ۱۳۹۶، ص ۴۰۹).

با این مقدمه و ناظر به رویکرد معرفت‌شناسانه این پژوهش، به نظر می‌رسد از منظر برون‌گرایانه باور پیروان متمه‌دیان با چالش‌هایی در حوزه فضایل معرفتی روبرو است. چنانکه باور آنها از منظر وثاقت‌گرایی بعثت ضعف‌های شناختی این پیروان در زمینه فضایل عقلانی توجیه‌پذیر نیست. از این رو در بررسی باورهای پیروان مدعیان مهدویت، معیارهای معرفت‌شناسی فضیلت‌محور می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی توجیه‌پذیری این باورها به کار رود. نکته قابل توجه این است که فقدان فضایل معرفتی

۱. معرفت‌شناسان غالباً از مجموعه خصوصیات که در زمره فضایل معرفت‌شناسانه قرار می‌گیرد به‌عنوان «فروتنی فکری intellectual humility» یاد می‌کنند. (Zagzebski 1996; Roberts and Wood 2007)

لازم می‌تواند منجر به شکل‌گیری باورهای غیرموجه شود، حتی اگر باورنده بر صحت آن اصرار داشته باشد.

۳. چالش ناقض معرفتی ناظر به باور پیروان متمه‌دیان

باورهای پیروان مدعیان کاذب به لحاظ توجیه‌پذیری، بیشتر با چالش‌های ناقض معرفتی مواجه است. این چالش‌های ناقض معرفتی از سه منظر می‌تواند مورد توجه قرار واقع شود: ۱. چالش‌های مربوط به توصیف؛ ۲. چالش‌های مربوط به تجربه؛ ۳. چالش‌های مربوط به متعلق تجربه (دیویس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

پیروان مدعیان کاذب مهدویت غالباً با وجود ادله معرفتی همچنان بر باور باطل خویش اصرار می‌ورزند و بیان می‌دارند که مهدی موعود را شناخته‌اند و صفات ظاهری، گفتار و کردار فردی که خود را مهدی موعود معرفی کرده تردیدی برای آنها باقی نمی‌گذارد که شخص مذکور همان منجی آخرالزمانی است. اما باور پیروان از جهات مختلف با چالش‌های ناقض معرفتی رو برو است که به برخی موارد در ذیل اشاره می‌شود:

۳-۱. چالش‌های مرتبط با توصیف؛ ناسازواری مدعیات متمه‌دیان با نصوص دینی

در بسیاری از موارد باورهای پیروان مدعیان کاذب به علت عدم انطباق توصیفات متمه‌دیان با معیارهای روایی، وجود تناقضات درونی در توصیفات عرضه شده و فقدان سازگاری توصیفات با منابع معتبر تاریخی با چالش ناقض معرفتی روبروست و باورهای آنان را ناموجه می‌سازد. برای مثال در روایتی از جابر از رسول خدا ﷺ نقل شده است که «مهدی از فرزندان من و نام او نام من و کنیه او کنیه من و همانندترین مردم از نظر چهره و رفتار به من است» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ص ۲۸۶). ناظر به این روایت که مورد اتفاق شیعه و سنی است به‌طور قطع یکی از نام‌های مهدی ﷺ محمد است، اما بسیاری از متمه‌دیان مانند سیدعلی محمد شیرازی، میرزا غلام احمد قادیانی، سیدمصطفی برزنجی و الکر عاوی و صدها مدعی دیگر نامی غیر از محمد دارند و از این رو نمی‌توانند مهدی ﷺ

باشند؛ همچنین یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های مهدی موعود علیه السلام این است که نسبت آن حضرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دخت گرامی ایشان می‌رسد. چنانکه در روایت آمده است «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۸۰). از این رو ادعای متمدیانی چون محمد حنفیه، محمد بن عبدالله بن تومرت مغربی، محمد بن یوسف جنپوری، محمد احمد سودانی، محمد بن عبدالله قحطانی و بسیاری از مدعیان کاذب مهدویت که نسبت به ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌برند، باطل خواهد بود. از سوی دیگر مطابق باور شیعه امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است، هر چند اهل سنت در این باره اختلاف دارند و بسیاری ایشان را از نسل امام حسن علیه السلام می‌دانند. با همه این اوصاف بسیاری از کسانی که ادعای مهدویت کرده‌اند یا می‌کنند، به هیچ یک از دو فرزند حضرت فاطمه علیه السلام نسب نمی‌برند. نکته دیگر در عدم سازواری ادعای مدعیان مهدویت با نصوص دینی، عدم تحقق نشانه‌های ظهور است؛ چنانکه امام رضا علیه السلام در رد ادعای مهدویت محمد بن ابراهیم، معروف به ابن طباطبا به تحقق نیافتن سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح استناد کرده‌اند (مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۳۳). در نهایت مطابق روایات شیعی هدف بزرگ منجی آخر الزمانی، برقراری عدل و داد در همه جهان است و او بی‌گمان باید بر تمام زمین چیره شود (ابن بابویه، ۱۳۶۳، صص ۶۴۹، ۲۸۰، ۳۱۸). بنابراین اگر کسی که ادعای مهدویت می‌کند، بدون اینکه بر تمام زمین مسلط شود و عدالت را حکم فرما کند، از دنیا برود بی‌گمان مهدی نیست (حجایی، ۱۳۹۵، صص ۲۴۰ - ۲۴۸). ناظر به موارد گفته شده، می‌توان بیان داشت که با وجود نقل‌های روایی و تبیین شواهدی برای مصداق‌یابی مهدی موعود راستین، پافشاری پیروان در تبعیت از مدعیان کاذب، باور آنها را با چالش ناقض معرفتی مواجه می‌سازد.

۳-۲. چالش‌های مربوط به تجربه؛ چالش تخالف با سیره متدینین

همچنین باورهای پیروان مدعیان کاذب به علت عدم انطباق با تجارب موجه متدینان دچار خدشه است. چنانکه یکی از ویژگی‌های مدعیان کاذب، مخالفت ایشان با مراجع تقلید و اعظام علما بوده و هست. چنانکه احمد اسماعیل، گوی سبقت را در این زمینه از

دیگران ربوده و تا جایی پیش می‌رود که پیروان وی هیچ‌گاه نام مرجعی را بر زبان نمی‌رانند، مگر اینکه آن مرجع را لعنت کرده و از او به‌عنوان گمراه‌کنندهٔ مردم یاد می‌کردند و حتی اوصاف ناپسندی به خانوادهٔ ایشان نسبت می‌دادند. علی یعقوبی نیز همهٔ فقها را به نداشتن فهم درست در فقه متهم کرده و بیان می‌داشت که فقط خودش جایگاه فقه را می‌داند. گاه این عملکردها صبغهٔ روایی نیز پیدا می‌کرد و آنها به روایاتی استناد می‌کردند، که شانزده هزار تن از قاریان قرآن و علمای دین به جنگ با امام زمان (عج) بر می‌خیزند (همان، صص ۳۷۴ - ۳۷۵). این در حالی است که راوی این حدیث رئیس فرقهٔ زیدیه یعنی ابوالجارود است (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۴۹۹) و عالمان راستین دین و مراجع تقلید همواره در تبیین صفات مهدی موعود (عج) و تبعیت از فرامین ایشان و اجداد بزرگوارشان تأکید ورزیده‌اند. متدین راستین نیز که مراجع را واجد ملکه تقوا و دانش دین می‌شمردند، تبعیت از ایشان را بر خود واجب می‌دانند؛ از این‌رو افرادی که جذب مدعیان کاذب شده و جایگاه عالمان دینی را کوچک می‌شمردند با چالش تخالف با سیرهٔ متدینین مواجه هست.

۳-۳. چالش‌های مربوط به متعلق تجربه؛ چالش تخطی از قول صریح عالمان دین

بسیاری از بزرگان دین در مواجهه با مدعیان یا نایبان کاذب امام مهدی (عج) رویکردی عالمانه و صریح اتخاذ کرده‌اند و هرچند پیروان این مدعیان کاذب بر باور خویش اصرار ورزیده‌اند، به صراحت نسبت به ادعای کذب این مدعیان هشدار داده‌اند. نقل است که عده‌ای به بیت آیه‌الله فاضل لنکرانی مراجعه کردند و اصرار داشتند که نامه‌ای را از جانب شخصی به نام عرفانیان که خود را نایب امام مهدی (عج) معرفی می‌کرده به دست ایشان برسانند. آقا زادهٔ آن مرجع عالیقدر نامه‌ای را که مریدان به گفتهٔ عرفانیان، امام زمان آن را نوشته بود از ایشان دریافت می‌کنند و اولین واکنش ایشان پس از دیدن نامه این بوده که چرا امام زمان (عج) نامه را به فارسی نوشته‌اند و چرا اینقدر نامه بدخط است؟ و سپس به یکی از پیروان که از قضا دروس حوزوی خوانده بود می‌گویند: مگر نخوانده‌ای که امام زمان (عج) به نایب خاص چهارم خود گفتند که پس

از تو کسی دیگر من را نمی‌بیند و هر کسی ادعای رؤیت من را بنماید، او را تکذیب کنید که افترازننده است. و در ادامه می‌گویند: آیا من فرمایش امام زمان (عج) را پذیرم یا کلام شخصی که شما از جانب او برای من نامهٔ امام معصوم را آورده‌اید؟ همچنین ایشان از قول والد معظم‌شان بعد از دادن نامه به ایشان بیان می‌دارند که پدرشان بسیار متأثر شدند و فرمودند: چرا برخی این چنین مسئلهٔ امام زمان (عج) را به بازی گرفته‌اند و می‌خواهند از اعتقادات مردم سوء استفاده کنند و سپس عرفانیان را کذاب و تهمت‌زن می‌خوانند. با وجود چنین تبری آشکاری از جانب مرجع تقلید معظم، همچنان افرادی مرید عرفانیان باقی ماندند و گفتار و رفتار او را توجیه می‌کردند (حجایی، ۱۳۹۵، صص ۳۵۴-۳۵۸). در این مورد نیز با وجود مخالفت و نهی صریح عالم دینی از پذیرش مدعی دروغین، باز هم برخی پیروان بر باور کاذب خود پافشاری کردند و از این رو باورشان با وجود ادله با چالش ناقض معرفتی روبرو است.

ناظر به سه چالش ناقض معرفتی عنوان شده، راهکاری برون‌گرایانه نسبت به فضایل معرفتی پیروان متمه‌دیان می‌تواند از اساس توجیه باور پیروان مدعیان کاذب را با چالش مواجه کرده و آن را مردود شمرد. به سخن دیگر فضایل معرفتی و فکری، ابزاری برای ارزیابی و راستی‌آزمایی باور پیروان مدعیان کاذب است. چنانکه اگر این پیروان در هنگام مواجهه با دعوی مهدویت از سوی متمه‌دیان از فضایل فکری لازم برای تمیز حقیقت برخوردار نباشند، باورشان توجیه‌پذیر نبوده و دچار خدشه است.

بدین لحاظ اگر فردی ادعا کند که مهدی موعود (عج) را ملاقات کرده و تجربه او تجربه‌ای واقع‌نماست، باور او با زیرمجموعه دیگری از چالش‌ها مواجه است. نخست اینکه آیا دعوی ادراکی فرد (در اینجا پیروان متمه‌دیان) قابل وثوق است؟ دوم آنکه آیا فرد آموزش‌های لازم برای راستی‌آزمایی تجربه خویش را کسب کرده است؟ این آموزش‌ها هم می‌توانند شامل کسب فضایل فکری باشند و هم ناظر به صحت‌سنجی دعوی مدعیان. سوم آنکه آیا گزارش آن فرد با افراد صاحب فضیلت عقلانی تعارضی ندارد و به سخن دیگر ما با دعوی متعارض مواجه نیستیم؟ چهارم آنکه آیا

صاحب تجربه ملاقات با متهمدیان، از نظر شرایط تجربه ادراکی در وضعیت غیریملاری بوده است؟

از منظر امامیه، برخی گزارش‌های روایی ناظر به شرایط پذیرش و وثاقت یک راوی در نقل حدیث، ناظر به فضایل عقلانی یا فکری او است. اصطلاحات رجالی مدحی چون «حافظ» که به کسی گفته می‌شود که سنت رسول خدا ﷺ را می‌شناسد یا انتساب الفاظی چون «فهم»، «متقن»، «متحقق» و «حاذق» که نشان از ژرف‌اندیشی راوی است، مؤید این مهم است؛ همچنین اصطلاحات ذمی چون «متعصب» نشانگر سوگیری شناختی راوی و لفظ «غالی» نشان از مبالغه‌گری روای در بیان است که صدق او در روایت را دچار خدشه می‌کند (جدیدی نژاد، ۱۴۲۲، ص ۱۰۳). از این رو هم شواهد نقلی و هم سیره علما و بزرگان دین چنین بوده که ادعا و باور شخص را با قرائن بیرونی و از جمله ویژگی‌های فکری او بسنجند و اگر باور او را مواجه با چالش‌های ناقض معرفتی یافتند آن را رد کنند.

یکی از راهکارهایی که امامان معصوم علیهم‌السلام برای روشنگری و بازنمایی حقیقت از آن بهره می‌بردند، مناظره و بحث بود. آنها با مخالفان، با مدعیان کاذب و نیز با پیروان متهمدیان بحث می‌کردند و به این طریق نه تنها به یاران خود بهره‌گیری از قابلیت‌های فکر را می‌آموختند تا بدون ارزیابی‌های شناختی و عجولانه سخنان هر آنکه خود را به آنها منتسب می‌کند یا خود را مهدی موعود معرفی می‌کند، باور نکنند، بلکه به آنها می‌فهمانند که باورشان با نقیض معرفتی روبرو است و پافشاری آنها بر مدعیاتشان سودی نخواهد داشت؛ برای مثال امام صادق علیه‌السلام در مواجهه با ادعای نحلّه کیسانیه بر حیات محمد بن حنفیه از باورهای خود این نحلّه فکری علیه‌شان بهره بردند؛ همچنین امام رضا علیه‌السلام در مناظراتی که با واقفیه داشتند؛ یعنی کسانی که معتقد بودند، امام موسی کاظم علیه‌السلام نمی‌میرد تا بر شرق و غرب جهان مسلط شود و سراسر دنیا را پر از عدل و داد کند و او را همان مهدی قائم علیه‌السلام می‌دانستند، از ترفندهای خلاقیت فکری، جامع‌نگری و ژرف‌نگری و حافظه بسیار خوب نسبت به گفتار اجدادشان و نص قرآن کریم بهره

بردند تا تعارض باور آنها با نص صریح متون دینی را بازنمایی کنند (طوسی، ۱۳۴۸، صص ۶۱-۶۹). از سوی دیگر سیره عالمان دینی در روشنگری پیروان مدعیان مهدویت، نه تنها بیانگر اهمیت بازشناسی مدقانه مهدی موعود علیه السلام است، بلکه مبین این مهم است که آنان به شواهد ظاهری اکتفا نمی‌کردند و زبان‌بازی‌های مدعیان کاذب آنها را مقهور نمی‌ساخت. شجاعت، تواضع فکری و شکیبایی آنان در رصد قرائن برای کشف حقیقت، موجب می‌شد تا آنان خطای این متمه‌دیان را آشکار کرده و به پیروان آنها در راستی آزمای ادعای متمه‌دیان تذکر دهند. چنانکه آیه‌الله شیخ حسین لنکرانی درباره گرایش مردم به علی محمد باب معتقد بود که از یک سو باور به منجی آخرالزمانی در آموزه‌های شیعه و محبت قلبی شیعیان به امام زمان علیه السلام موجب شده بود، که برخی شیعیان ساده لوح اسیر بازیگران سیاسی شوند (کوچک‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۵)؛ از این رو در کنار عوامل بیرونی چون نابسامانی اقتصادی، ظلم، فزونی خواهی و سوء استفاده‌های مالی، مهمترین عامل درونی که موجب رشد مدعیان دروغین مهدویت می‌شود، جهل مردم و فقدان فضایل معرفتی در پیروان آنهاست. مدعیان دروغین از این جهل سوء استفاده می‌کردند و باورهای غلط را به مردم تلقین می‌کردند. مثلاً سید کاظم رشتی، از کسانی بود که بدون در نظر گرفتن روایات معصومان علیهم السلام مبنی بر عدم تعیین وقت ظهور، بشارت به نزدیکی ظهور می‌داد و می‌گفت: «شاید امام غایب، میان شماها باشد» (مدرسی، چهاردهی، ۱۳۴۵، ص ۲۰). اسماعیلیان از روایت طلوع خورشید از مغرب که بیشتر در منابع اهل سنت آمده و به کتاب‌های شیعه راه پیدا کرده، برداشتی ناروا کردند و آن را بر مهدی فاطمی که از «مغرب» در شمال آفریقا قیام کرد، تأویل بردند (قاضی نعمان، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۱۸).

گزارش‌های ذکر شده گواه این مدعی است که با وجود چالش‌های ناقض معرفتی نسبت به صدق ادعای متمه‌دیان، همچنان افرادی از آنها پیروی می‌کردند. در این مواقع بهترین برون‌رفت، ارزیابی فضایل فکری و معرفتی فاعل شناسا از منظر برون‌نگرایی است تا باورهای او توجیه‌پذیر تلقی شود.

۴. نقش فضایل معرفتی در سامان یافتن باور موجه پیروان مهدوی

چنانکه بیان شد از دیدگاه معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا فضایل معرفتی، غالباً ویژگی‌هایی ناظر به قابلیت‌های خردورزی یا تعقل هستند. در فلسفه عقل واره‌ای با معانی و کاربردهای بسیار متنوع است. در این میان بیشترین کاربرد عقل در معرفت‌شناسی به دو معنا است: ۱. نیرویی که وظیفه ادراک برخی از مفاهیم کلی را بر عهده دارد. ۲. مدرک عقلی (معقول) که محصول نیروی ادراکی است (سادات منصوری، ۱۳۹۹، ص ۸۱). اما در نگاه کلی چه عقل را نیروی ادراکی و چه آن را محصول دستگاه ادراکی بدانیم، این مفهوم جایگاه ویژه‌ای در کسب معرفت دارد. از نظر امام علی (ع) تمامیت انسان بر چهار ستون استوار است که یکی از آنها را عقل تشکیل می‌دهد (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۴). بی‌شک عقل پیش نیاز کسب علم و معرفت است و خداوند در قرآن آنانکه به علم دست می‌یابند در رتبه‌ای فراتر از دیگران قرار می‌دهد: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹).

در این پژوهش ما متمرکز بر فضایل عقلانی هستیم که شخصی که قصد تمیز ادعای صدق مهدی موعود (ع) راستین از مدعیان دروغین را دارد، باید خود را به آنها متصف نماید تا باورهای او توجیه‌پذیر باشد. در معرفت‌شناسی ویژگی‌های متفاوتی ناظر به فضایل معرفتی ذکر شده که می‌توان آنها را ذیل ۵ توانمندی خردمندی و دانایی ناظر به رویکرد روانشناسی دسته‌بندی کرد. قرآن و روایات نیز توصیه‌های بسیاری در کسب فضایل معرفتی دارند که با فضایل برشمرده در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا هم‌پوشان است.

از منظر روانشناسی و معرفت‌شناسی برای فضیلت خردمندی ویژگی‌هایی ذکر شده که عمده‌ترین آنها شامل:

۱. خلاقیت، یعنی توانایی حل مسائل بصورت مبتکرانه؛ ۲. آزاداندیشی، یعنی داشتن تفکر انتقادی، واقع‌بینی، اجتناب از تعصب و پیشداوری؛ ۳. کنجکاوی، نیاز به دانستن، تلاش برای یافتن حقیقت، و سؤال از دیگران؛ ۴. عشق به یادگیری، در معنای علم آموزی و لذت از یادگیری و دانش افزایی؛ ۵. ژرف‌نگری که شامل شنیدن نظرات

متفاوت، مشورت کردن، تزیینی و جستجوی رابطه علت و معلولی است (پیتسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، صص ۱۷۱ - ۱۸۸).

۴-۱. خلاقیت

خلاقیت در اندیشه‌ورزی مستلزم نوآوری است و البته این نوآوری باید انطباقی باشد یعنی باید به زندگی آن فرد یا دیگران کمک مثبتی نماید (پیتسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۱۹۴). خلاقیت در اندیشیدن مستلزم نوعی تهور یا شجاعت عقلی در شکستن قالب‌هاست. کسی که برای کشف حقیقت آمادگی مخاطره دارد و از ابراز حقیقت ولو ناخوشایند جمعی باشد واهمه ندارد، بی‌شک از فضیلتی معرفتی برخوردار است. خداوند در قرآن از مردمانی یاد می‌کند که از اظهار حقیقت نمی‌ترسند؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوُا اللَّهَ وَآيَاتِي ثُمَّ قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده، ۴۴) در روایات هم اشاره شده که پیروان حقیقت با وجود اکثریت باطل از چیزی واهمه ندارند... «لَا اخْتِلَافَ فَلَمَّا غَشِيَ النَّاسَ ظُلْمُهُمْ خَطَايَاهُمْ صَارُوا إِمَامِينَ دَاعٍ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَدَاعٍ إِلَى النَّارِ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَطَقَ الشَّيْطَانُ فَعَلَا صَوْتُهُ عَلَى لِسَانِ أَوْلِيَائِهِ وَكَثُرَ خَيْلُهُ وَرَجُلُهُ وَشَارَكَ فِي الْمَالِ وَالْوَلَدِ مَنْ أَسْرَكَهُ فَعَمِلَ بِالْبِدْعَةِ وَتَرَكَ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَنَطَقَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ بِالْحُجَّةِ وَأَخَذُوا بِالْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ فَتَفَرَّقَ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَهْلُ الْحَقِّ وَأَهْلُ الْبَاطِلِ» امام جواد (علیه السلام) می‌فرماید:... ولی هنگامی که تاریکی خطاهای مردم آنها را فراگرفت دو (دسته و) امام پیدا شد، یکی آنان که بسوی خدای تبارک و تعالی دعوت می‌کردند، دیگری آنان که بسوی دوزخ می‌خواندند، در این هنگام بود که شیطان بزبان آمد، و آواز خود را به زبان دوستان و یاران خود بلند کرد و طرفداران سواره و پیاده‌اش بسیار شدند، و شرکت جست در مال و فرزند آنان که با او شرکت جستند پس بدعت‌گزاری شروع شد و کتاب و سنت کنار رفت و اولیا خدا که چنین دیدند بحجت و برهان گویا شدند و کتاب و حکمت را گرفتند و از آن روز اهل حق و باطل از هم جدا شدند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۵۵).

۴-۲. آزاداندیشی

آزاداندیشی عبارت است از اشتیاق به جست و جوی فعالانه شواهد علیه باورها، برنامه‌ها یا اهداف موردپسند خود، و ارزیابی منصفانه این شواهد در هنگام حصول آنها. متضاد آزاداندیشی سوگیری خودتأییدگر نامیده می‌شود، که به گرایش فراگیر فرد به مطلوب شمردن و جانبداری از نگرش‌های کنونی اشاره دارد (پترسن، سلگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۴۳). بی‌شک آزاداندیشی مستلزم داشتن تفکر انتقادی، واقع‌بینی، اجتناب از تعصب و پیش‌داوری است و می‌تواند با مفهوم استقلال عقلی همپوشان باشد. استقلال عقلی در مقابل انفعال عقلی است. کسی که منفعلانه در حیطه عقلانیت و معرفت عمل می‌کند، اندیشه و باورهایش به وسیله دیگران هدایت می‌شود و در حقیقت دیگران جای او می‌اندیشند (همت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). قرآن ویژگی صاحبان خرد را گوش سپردن بدون تعصب و تبعیت از بهترین گفتار معرفی می‌کند؛ «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۸). از منظر قرآن افراد صاحب خرد از یک قوه تمیز و غربالگری ذهنی برخوردار هستند، چنانکه در جای دیگر خداوند از تقلید کورکورانه ولو نسبت به نزدیکترین اعضای خانواده (پدران) انذار می‌دهد «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ». در روایات هم به این فضیلت اشاره شده چنانکه امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان توصیه می‌کنند که شست رأی و دهن بین نباشد، و بگوید «من با مردم» و «من یکی از مردم». لا تُكُونَنَّ إِمْعَةً، تَقُولُ: أَنَا مَعَ النَّاسِ وَأَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ص ۲۶۶)؛ همچنین امام علی علیه السلام در توصیه‌ای به کمیل مردم را از نظر معرفتی در سه دسته قرار می‌دهند و دسته آخر را افرادی معرفی می‌کنند که با هر بادی به سویی می‌خزند؛ کسانی که نه از روشنی دانش، فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار، شتافتند. «فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ، النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَهَمَّجٌ رَعَا أَتْبَاعَ كُلِّ نَاعٍ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷). امام سجاد علیه السلام در توصیه‌ای

دیگر به یکی از اصحاب خود، او را از اینکه از شخصی بت بسازد و تبعاً بدون اندیشه‌ورزی سخنان او را حجت قرار دهد پرهیز می‌دهند. «إِيَّاكَ وَ الرَّئِاسَةَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَطَّأَ أَغْقَابَ الرَّجَالِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَّا الرَّئِاسَةُ فَقَدْ عَرَفْتُهَا وَ أَمَّا أَنْ أَطَّأَ أَغْقَابَ الرَّجَالِ فَمَا تُثَلِّمَانِي فِي يَدِي إِلَّا مِمَّا وَطِئْتُ أَغْقَابَ الرَّجَالِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِيَّاكَ أَنْ تَنْصَبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتُضَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰).

۳-۴. کنجکاوی

از جمله فضایل خردمندی کنجکاوی است، نیاز به دانستن، تلاش برای یافتن حقیقت، و پرسش از دیگران از لوازم آن است. کنجکاوی، علاقه جستجوی تازگی و گشودگی به تجربه نشانگر میل فطری به تجربه و دانستن است. کنجکاوی مستلزم بازشناسی، پیگیری و نظم‌بخشی فعالانه تجربه فردی در واکنش به موقعیت چالش‌زاست (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۱۶). بسیاری از آیات قرآنی انسان‌ها را به کاوشگری در آیات آفاقی و انفسی دعوت می‌کنند تا از او بخواهند در پی معرفت باشد. در سوره غاشیه آمده است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)». یا در جای دیگر می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)». بدون شک پرسش از دیگران از جمله نشانه‌های کنجکاوی برای حقیقت‌یابی است. در قرآن در توصیه از پرسش از دیگران آمده است «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳)؛ همچنین در روایات توصیه به پرسش‌گری شده است چنانکه رسول خدا ﷺ دانش را گنجینه‌ای معرفی کند که کلید آن پرسش است «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ» (حرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۱). امام صادق (ع) نیز با همین مضمون بیان می‌کنند که همانا بر علمی قفلی است و کلید آن سؤال است «إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ الْمَسْأَلَةُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰).

از دیگر لوازم کنجکاوی تواضع فکری است. تواضع فکری یعنی اینکه فرد آگاه

باشد که همه چیز را نمی داند (تکفلاح و دیگران، ص ۱۲). رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ، فَهُوَ جَاهِلٌ» هر کس بگوید من عالمم، جاهل است (شهید ثانی، ۹۶۶، ص ۱۳۷)؛ همچنین امام علی علیه السلام در نامه ای خطاب به فرزندان امام حسن علیه السلام در مورد تواضع علمی می فرماید: «قَرَعْتُكَ بِأَنْوَاعِ الْجَهَالَاتِ لِئَلَّا تُعَدَّ نَفْسُكَ عَالِمًا، فَإِنْ وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَعَرَفُهُ أَكْبَرْتَ ذَلِكَ، فَإِنَّ الْعَالِمَ مَنْ عَرَفَ أَنَّ مَا يَعْلَمُ فِيمَا لَا يَعْلَمُ قَلِيلٌ، فَعَدَّ نَفْسَهُ بِذَلِكَ جَاهِلًا فَازْدَادَ بِمَا عَرَفَ مِنْ ذَلِكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ اجْتِهَادًا، فَمَا يَزَالُ لِلْعِلْمِ طَالِبًا وَفِيهِ رَاغِبًا وَلَهُ مُسْتَفِيدًا، وَلِأَهْلِهِ خَاشِعًا مُهْتَمًّا، وَلِلصَّمْتِ لَازِمًا، وَلِلخَطَا حَازِرًا وَمِنَهُ مُسْتَحْيَا، وَإِنْ وَرَدَ عَلَيْهِ مَا لَا يَعْرِفُ لَمْ يَنْكِرْ ذَلِكَ لِمَا قَرَّرَ بِهِ نَفْسَهُ مِنَ الْجَهَالَةِ». من تو را به نادانی های گوناگون کوبیدم، تا خود را دانا پنداری و اگر چیزی به تو رسید که آن را شناختی، آن را بزرگ شماری؛ زیرا دانا کسی است که دریابد آنچه می داند در برابر آنچه نمی داند اندک است و بدین سبب خود را نادان بشمارد و به مدد این دریافت، بر کوشش خود در جستجوی دانش بیفزاید و همواره جويا و شیفته دانش باشد و از آن بهره گیرد و در برابر دانشمندان، فروتن و دل سپرده و پیوسته خاموش، و از خطا، پرهیزگار و شرمگین باشد و اگر چیزی بر او درآمد که نمی شناسد، آن را انکار نکند؛ چه به نادانی خویش اقرار دارد (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۳). در جای دیگر ایشان در مورد مدعیان دانشی که دانشمند نیستند هشدار می دهند «رُبَّ مُدَّعٍ لِلْعِلْمِ لَيْسَ بِعَالِمٍ» (تمیمی آمدی، بی تا، ص ۳۸۴). از دیگر مواردی که می تواند از لوازم کنجکاوی باشد شرم نکردن از پرسیدن است چنانکه از امام علی علیه السلام می فرماید کسی که نمی داند نباید از آموختن خجالت بکشد: «أَلَا لَا يَسْتَحْيِيَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِءٍ مَا يَعْلَمُ» (تمیمی آمدی، بی تا، ص ۱۷۹).

۴-۴. علاقه به فهمیدن

علاقه به فهمیدن و یادگیری در ارتباط با مؤلفه های مهمی چون جهت گیری انگیزشی، احساس شایستگی، ارزشمندی و علاقه رشد یافته است (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۶۸). قرآن توصیه به جامع نگر می کند و بیان می دارد که جز اندیشمندان کسی تعقل

نمی‌کند: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت، ۴۳). امام علی علیه السلام نیز استواری در دانش و فهم ندانسته‌ها را حاصل اندیشه در دانسته‌ها معرفی می‌کنند «من أكثر الفكر فيما تعلم أتقن علمه و تفهم ما لم يكن يفهم» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۶۴۷) این گفتار نشان می‌دهد که دستیابی به حقیقت نیازمند آن است که برخی فضایل معرفتی با تکرار و استمرار برای شخص ملکه شود. از سوی دیگر علاقه به فهمیدن مستلزم شکیبایی و صبروری برای وصول به حقیقت است. چنانکه امام علی علیه السلام برای عالم سه نشانه بر می‌شمرد که مشتمل بر دانش بردباری و خاموشی. «إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْعِلْمَ، وَالْحِلْمَ، وَالصَّمْتَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۷). یا در جای دیگر می‌فرماید: «حُبُّ العلم و حسن الحلم و لزوم الصواب من فضایل أولى الألباب» دوست داشتن علم و بردباری نیکو و ملازم بودن با راه درست از فضیلت‌های صاحبان عقل و خرد است (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۹).

۴-۵. ژرف‌نگری

بیشتر روانشناسان خردمندی را به سه شیوه مفهوم‌سازی کرده‌اند: بر حسب فرایندهای بخردانه، فرآورده‌های بخردانه یا افراد خردمند. با این حال توصیفات به دست آمده از خردمندی هم‌پوشانی‌های فراوانی دارند خصوصاً در مورد یکی از جذاب‌ترین مفاهیم یعنی ژرف‌نگری یا داشتن چشم‌انداز (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳). ژرف‌نگری و چشم‌انداز داشتن مفهوم تعمق در طول یا عرض نظر را دربر دارد و به‌طور کلی به معنای فرارفتن از مرزهای اینجا و اکنون است. یکی از مفاهیم مرتبط با ژرف‌نگری توجه است. توجه به مجموعه‌ای از عملیات پیچیده ذهنی گفته می‌شود که شامل تمرکز کردن به هدف یا درگیر شدن با آن، نگه داشتن یا تحمل کردن و گوش به زنگ بودن در یک زمان طولانی، رمزگردانی ویژگی‌های محرک و تغییر تمرکز از یک هدف به هدف دیگر است (عمادی‌فر، گرجی، ۱۳۹۶، ص ۶۹). آیات متعددی در قرآن از توجه انتخابی سخن گفته‌اند که در آن فاعل شناسا ذهن خود را معطوف به جزئیات در آیات آفاقی و انفسی

می‌نماید؛ چنانکه در سوره آل عمران آمده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰) الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)»؛ همچنين بن مایه مفاهیم قرآنی همچون تفکر، تدبر، تفقه، تذکر و نظر توجه است و تمام این مفاهیم قرآنی وجه مشترک معنایی دارند که آن نوعی فراروی از ادراک محسوس به ادراک معقول است (باشی‌زاده مقدم و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۲). پس توجه از فضایل عقلانی برای دستیابی به معرفت است. در مقابل این فضیلت معرفتی خداوند در آیاتی افرادی که باسبکسری و غفلت از ژرف‌نگری غافل شده‌اند مذمت می‌کند و آنها را صاحب اندیشه نمی‌داند. «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده، ۵۸) از امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم نقل شده است که غفلت و بی‌خبری خوی بی‌عقلان است. «الغفلة شيمة النوكي» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۵۱). یا در جای دیگری می‌فرماید: کسی که خردش نیرومند باشد بسیار عبرت می‌گیرد «مَنْ قَوِيَ عَقْلُهُ أَكْثَرَ الْإِعْتِبَارِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۶).

از دیگر مفاهیمی که می‌تواند زیرمجموعه ژرف‌اندیشی قرار گیرد دقت علمی است. قرآن توصیه به رجوع به مأخذ محکم برای کسب معرفت می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷). در جای دیگر قرآن توصیه به تحقیق و تفحص برای کشف حقیقت می‌نماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (آل عمران، ۸۳). در روایاتی از امام علی علیه السلام هم توصیه شده برای دستیابی به حقیقت آن را از اهلش طلب کنید. «قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ

قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَحْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَأَطِئُوهُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰).

نتیجه گیری

مطابق رویکرد برون گرایی و ناظر به دیدگاه مسئولیت گرایی فضیلت محور، پذیرش باور فاعل شناسا مستلزم کسب فضایل فکری است که در فقدان آنها باور شخص دچار چالش ناقض معرفتی می شود. فضیلت خردمندی از منظر روانشناسی و معرفت شناسی، ویژگی هایی را در بر می گیرد که هر ویژگی می تواند، خصوصیات فرعی دیگری را نیز شامل شود. در آموزه های دین اسلام از جمله قرآن و سنت نیز مصادیقی برای این فضایل ذکر شده است. یافته های پژوهش نشان داد که با رویکرد معرفت شناسانه و بازخوانی برخی مدعیات پیروان فرقه سازان مهدوی، باورهای ایشان به طور غالب با چالش های ناقض معرفتی از سه جنبه توصیف، خود تجربه کننده و متعلق تجربه رو به روست. چنانکه گاه با وجود ادله معرفتی ناظر به نصوص دینی، سیره متدینین و قول صریح عالمان دینی برخی از پیروان بر باورهای غیرصادق خویش اصرار می ورزند. پس از حیث معرفت شناختی، به دلیل عدم اقناع معرفتی و اصرار باورمندان به فرقه های مهدوی بر مدعیاتشان، علی رغم وجود شواهد نقض معرفت، پایگاه شکل گیری باورهایشان را نباید در خود ادله و شواهدی که عرضه می کنند جستجو کرد. در این صورت، از حیث معرفت شناسانه، تمرکز بر منشأ بیرونی باور راهگشاست. این بیان، به نحو زیر، صورت بندی می شود:

باورهای فردی مانند الف با چالش های نواقض معرفتی حاد، مواجه است.

الف همچنان بر ادعاهای خود پافشاری می کند.

پس پایگاه باورهای او دارای دلایل عقلی و شواهد کافی نیست.

در نتیجه منشأ شکل گیری باور امری غیر از دلایل است.

به عبارت دیگر، مسئله اینجاست که دریافتیم به طور عمده پیروان فرقه سازان با وجود

اینکه همه قراین و دلایل علیه باورشان است دست از مدعیاتشان نمی‌کشند، اما کسی که واجد فضیلت‌های معرفتی است با بهره‌گیری از این ابزارهای شناختی و در صورت اتصاف به فضایل معرفتی به راحتی نمی‌تواند شواهد نقض باور خویش را نادیده بگیرد؛ چه آنکه واجدان فضایل معرفتی باور خویش را با مذاقه به بوته نقد می‌سپارند و در برابر قراین مخالف، دارای گشودگی هستند، پس باور در یک وضعیت عادی کسب نشده و در نتیجه، باید به ارزیابی و سپس بازسازی فضایل معرفتی فاعل شناسا که شامل، خلایق، کنجکاو، آزاداندیشی، علاقه به فهمیدن و ژرف‌نگری پرداخت. در این صورت، از آنجا که خاستگاه شکل‌گیری باور، متکی به دلایل و شواهد کافی نبوده بلکه وابسته به خلاء پاره‌ای از فضایل است هر نوع پاسخ‌گویی و یا درمانگری باید معطوف به اصلاح عملکردهای فضیلتی شخص باشد. در دستیابی موثر فرد به مهارت‌های اندیشه‌ورزی از جمله ژرف‌نگری، فرانگری، شجاعت فکری و شکاییایی فکری، تبیین روشنی از نصوص دینی متقن است که راهی به ارزیابی منطقی صدق باور را فراهم می‌آورد. ارتقای ویژگی‌ها و فضایل عقلانی به عنوان ابزاری فراگیر در حل مسائل فردی و اجتماعی، تسهیلگر فهم درست و مانع ورطیدن به باورهای کم‌پشتوانه معرفتی است. از همین منظر، توجه شایسته به مسئله نقش موثر فضیلت‌های معرفتی در شکل‌گیری باور مدعیان، امری ضروری است که به بهبود و ارتقای روش‌های متکلمان، درمانگران و مصلحان در عرصه اصلاح و هدایت‌گری باورمندان به فرقه‌های مهدوی می‌انجامد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۸). من لایحضر الفقیه (مترجم: محمد جواد غفاری؛ صدرالدین بلاغی). تهران: نشر صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). کمال الدین و تمام النعمه (محقق: علی اکبر غفاری). قم: مؤسسه نشر اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). معانی الاخبار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

باشی زاده مقدم، مهرناز؛ راد، علی؛ احمد، کریمی. (۱۴۰۱). تبیین انعطاف پذیری نوروئی از نگره تجویز قرآن به مناسک عبادی و بازتاب آن در اشتدادپذیری ایمان. فلسفه دین. ۱۹: ۲.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۰۴ق). غرر الحکم و درر الکلم (محقق: سیدمهدی رجائی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

زمانی، محسن. (۱۳۹۱). آشنایی با معرفت شناسی. تهران: هرمس.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.

پویمن، لویس پی. (۱۳۸۷). معرفت شناسی؛ مقدمه‌ای بر نظریه شناخت (محقق و مصحح: رضا محمدزاده). تهران: دانشگاه امام علی (ع).

پیترسن، کریستوفر؛ سلیگمن، مارتین. (۱۴۰۰). طبقه‌بندی توانمندی‌های منش و فضیلت‌های انسانی (مترجمان: محسن زندی، لیلا باقری، چاپ اول). تهران: رشد.

جدایی حاجی خواجه لو، حجت. (۱۳۹۸). «همایش پژوهشهای دینی، علوم اسلامی»، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، دوره ۲، صص ۵۳۲-۵۵۰.

- جدیدی نژاد، محمدرضا. (۱۴۲۲). معجم مصطلحات الرجال و الدراية. قم: دارالحدیث.
- جوادپور، غلام‌حسین؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۳). ارزیابی معرفتی باور در اندیشه فضیلت‌محورانه زکزیبکی و بررسی آن براساس حکمت متعالیه (پایان‌نامه دکتری، رشته کلام گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی).
- حجّامی، حسین. (۱۳۹۵). شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- دیویس، سی. اف. (۱۳۹۱). ارزش معرفت‌شناختی تجربه دینی (مترجم: علی شیروانی؛ حسینعلی شیدان‌شید). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سادات منصوری، سیدمحمد. (۱۳۹۹). معرفت و ذهن؛ درآمدی بر معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن (چاپ اول). تهران: ارجمند.
- شمس، منصور. (۱۳۹۷). آشنایی با معرفت‌شناسی (چاپ اول). تهران: هرمس.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۹۶۶). منیة‌المريد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صفری‌فروشانی، نعمت‌الله؛ عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت»، مشرق موعود، شماره ۳۰.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال (رجال کشی). مشهد: دانشکده الاهیات.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۱). الغیبة. (محقق: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عبدالاحدی مقدم، علی اکبر؛ میرتبار، سیدمرتضی. (۱۳۹۹). «چرایی گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت و راهکارهای رویارویی با آن»، مطالعات معنوی، شماره ۲۹.
- عبداللهی، عبدالکریم. (۱۳۷۱). اندیشه و مبنای مبارزات روحانیت شیعه. تهران: نشر نیک.
- عرفان، امیرحسین. (۱۳۸۸). «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان»، فصلنامه موعود، شماره ۵.

عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۴). «شاخصه‌شناسی مواجهه ائمه (علیهم‌السلام) با مدعیان دروغین مهدویت»، انتظار موعود، شماره ۵۰.

عسگرزاده مزرعه، اکرم؛ پیکانی، جلال. (۱۳۹۵). «عناصر معرفتی فضیلت‌محور در بحث اتحاد عالم و معلوم ملاصدرا». اسفار، سال دوم، ش ۳، صص ۳۴-۳۸.

کلینی، محمد. (۱۳۶۲). کافی. (محقق و مصحح: علی‌اکبر، غفاری و محمد، آخوندی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کوچک‌زاده، عبدالله. (۱۳۸۷). حوزه‌های علمیه و مبارزه با انحرافات. تهران: نشر مهر.

مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۴۵). شیخی‌گری، بابی‌گری. تهران: فروغی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار (محقق: محمدباقر بهبودی). بیروت: داراحیاء التراث العربی.

میراحمدی، صادق؛ دهباشی، مهدی. (۱۳۹۴). «بررسی تفکیک فضایل به دو قسم اخلاقی و عقلانی از نگاه فضیلت‌گرا زاگزیسکی». پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، ش ۱، صص ۶۳-۷۶.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). الغیبة. قم: منشورات انوار الهدی.

همت‌زاده، حسین؛ خزاعی، زهرا؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۷). «فضایل معرفتی، شرط لازم حقیقت‌جویی و سازنده هویت عقلی». الهیات تطبیقی، سال نهم، ش ۱۹، صص ۱۲۳-۱۴۶.

Beaher, Jason (2017). "Virtue". In Oxford Handbook of Epistemic of Theology. U.K.: Oxford.

BonJour, Laurence. (1985). The Structure of Empirical Knowledge. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Chisholm, Roderick M. (1989). Theory of Knowledge. 3rd Edition. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Goldman, Alvin (1979). "What is Justified Belief?" in Justification and Knowledge, de. G. Pappas Dordrecht, Holland: D. Redial.

- Steup, M. (2018). Epistemology. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Winter 2018 Edition), Edward N. Zalta (ed), Stanford University. pp. 145-147.
- Zagzebski, Linda (1996). Virtues of the Mind; an Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundation of Knowledge, New York: Cambridge University Press.



References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

- Abdol-Ahadi Moqaddam, A. A., & Mirtabar, S. M. (2020). The reasons for people's inclination toward false claimants of Mahdism and strategies for confronting them. *Spiritual Studies*, 29, pp. 95-121. [In Persian]
- Akbarian, R. (2007). *The relationship between religion and philosophy in the Islamic world*. Qom: Research Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- Asgarzadeh Mazraeh, A., & Peikani, J. (2016). Virtue-centered epistemic elements in Mulla Sadra's discussion of the unity of the knower and the known. *Asfar*, 2(3), pp. 34-38. [In Persian]
- Bashi-Zadeh Moqaddam, M.; Rad, A.; & Ahmadi, K. (2022). Explanation of neural plasticity from the Quranic perspective on religious rituals and its impact on the strengthening of faith. *Philosophy of Religion*, 19(2), pp. 151-175. [In Persian]
- Beaheer, J. (2017). *Virtue*. In *Oxford handbook of epistemic theology*. Oxford University Press.
- BonJour, L. (1985). *The structure of empirical knowledge*. Harvard University Press.
- Chisholm, R. M. (1989). *Theory of knowledge* (3rd ed.). Prentice-Hall.
- Davies, C. F. (2012). *The epistemic value of religious experience* (A. Shirvani & H. Sheidan-Shid, Trans.). Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]
- Emadifar, F., & Gorji, Y. (2017). Effectiveness of attention training on attention control, focused attention, and scattered attention in female students with exam anxiety. *Child Mental Health*, 4(1), pp. 67-77. [In Persian]
- Erfan, A. (2009). A reconsideration of the factors leading to the emergence of false claimants of Mahdism and people's inclination toward them. *Moudoud Quarterly*, 5, pp. 145-174. [In Persian]

- Erfan, A. (2015). Characteristics of the Imams' encounters with false claimants of Mahdism. *Entezar-e Moudoud*, 50, pp. 119-146. [In Persian]
- Falah, M. J., & Nasiri Savadkouhi, M. (2016). The ethical model of the Quran in dealing with moral deviations. *Quranic Knowledge Research Journal*, 7(27), pp. 77-105. [In Persian]
- Goldman, A. (1979). What is justified belief? In G. Pappas (Ed.), *Justification and knowledge* (pp. xx-xx). D. Reidel.
- Goldman, A. (2012). *Reliabilism and contemporary epistemology: Essays*. Oxford University Press.
- Harani, I. S. (1984). *Tuhaf al-'uqul* (A. A. Ghaffari, Ed. & Rev.). Qom: Society of Seminary Teachers. [In Arabic]
- Hemmatzadeh, H., Khuzaee, Z., & Javadi, M. (2018). Epistemic virtues as a necessary condition for truth-seeking and intellectual identity formation. *Comparative Theology*, 9(19), pp. 123-146. [In Persian]
- Hojjati, H. (2016). *Recognition, analysis, and theological critique of deviant Mahdavi movements*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1984). *Kamal al-din wa tamam al-ni'mah* (A. A. Ghaffari, Ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1989). *Man la yahduruhu al-faqih* (M. J. Ghaffari & S. Bulaqi, Trans.). Tehran: Sadouq Publications. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1998). *Ma'ani al-akhbar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Jadidi-Nejad, M. R. (2001). *Mu'jam mustalahat al-rijal wa al-dirayah*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Javadpour, G., & Javadi, M. (2014). *An epistemic evaluation of belief in Zagzebski's virtue epistemology and its analysis based on Transcendent Wisdom* (Doctoral dissertation, Department of Theology, Philosophy of Religion and New Theological Issues). [In Persian]
- Jodaei Haji Khajelou, H. (2019). *Proceedings of the Conference on Religious Studies, Islamic Sciences, Jurisprudence, and Law in Iran and the Islamic World* (Vol. 2, pp. 532-550). [In Persian]

- Jokar, M. (2021). Criteria for identifying false claimants of Mahdism. *Mahdavi Studies*, 11(53), pp. 65-80. [In Persian]
- Kamiab, M., & Mohiti Ardakani, M. A. A study of the epistemic foundations for accepting the claims of false claimants of Mahdism in contemporary Iran. *Mashriq-e Moudoud*, 62, pp. 57-81. [In Persian]
- Kuchakzadeh, A. (2008). *Islamic seminaries and the fight against deviations*. Tehran: Mehr Publications. [In Persian]
- Kulayni, M. (1983). *Al-Kafi* (Vols. 1 & 8) (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Eds.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-anwar* (Vol. 52) (M. B. Behboudi, Ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Mirahmadi, S., & Dehbashi, M. (2015). An analysis of the division of virtues into moral and intellectual categories from the perspective of virtue ethics. *Ethics Research*, 6(1), pp. 63-76. [In Persian]
- Modaresi Chahardehi, M. (1966). *Sheikhism and Babism*. Tehran: Foroughi. [In Persian]
- Nu'mani, M. b. I. (2001). *Al-Ghaybah*. Qom: Anwar al-Huda Publications. [In Arabic]
- Peterson, C., & Seligman, M. (2021). *Classification of character strengths and human virtues* (M. Zandi & L. Baqeri, Trans., 1st ed.). Tehran: Roshd. [In Persian]
- Pojman, L. (2008). *Epistemology: An introduction to the theory of knowledge* (R. Mohammadzadeh, Ed. & Rev.). Tehran: Imam University. [In Persian]
- Sadat Mansouri, S. M. (2020). *Knowledge and mind: An introduction to epistemology and philosophy of mind* (1st ed.). Tehran: Arjmand. [In Persian]
- Safari-Foroushani, N., & Erfan, A. (2014). Typology of false claimants of Mahdism. *Mashriq-e Moudoud*, 30, pp. 83-108. [In Persian]
- Seyyed-Qureshi, M., & Dehqani Firouzabadi, V. (2015). Happiness and virtue in the ethical thought of Fayz Kashani. *Ethics Research Journal*, 27, pp. 125-140. [In Persian]

- Shahid Thani, Z. b. A. (1559). *Munyat al-murid*. Qom: Maktab al-I'lam al-Islami. [In Arabic]
- Shams, M. (2018). *Introduction to epistemology* (1st ed.). Tehran: Hermes. [In Persian]
- Shojaei, M. S. (2017). *Personality from the perspective of traits (Psychological and Islamic theories)*. Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]
- Steup, M. (2018). *Epistemology*. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford encyclopedia of philosophy* (Winter 2018 ed., pp. 145–147). Stanford University.
- Tamimi Amidi, A. W. b. M. (1984). *Gurar al-hikam wa durar al-kalim* (S. M. Rajaei, Ed.). Tehran: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1969). *Ikhtiyar ma'rifat al-rijal (Rijal al-Kashi)*. Mashhad: Faculty of Theology. [In Persian]
- Tusi, M. b. H. (1990). *Al-Ghaybah* (A. Tahrani & A. A. Nasih, Eds., 2nd ed.). Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyyah Institute. [In Arabic]
- Zagzebski, L. (1996). *Virtues of the mind: An inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge*. Cambridge University Press.